

# ماکاموشی

جزیره‌ی جوندگان جسور ۱۴

## تعطیلات در هتل زنده‌پنده



نویسنده: جرونیمو استیلتن

تصویرگر: لری کیز

مترجم: فریبا چاوشی



اسم من استیلتن است، جرونیمو استیلتن...

از حمام پریدم بیرون. صبح‌های تابستان، هیچ‌چیز مثل دوشِ آب سرد موش را سرِ حال نمی‌آورد. زیر لب یکی از ترانه‌های موردعلاقه‌ام را زمزمه می‌کردم:

**اگه خوش حالی و می‌دونی، بالا کف بنزن حیوونی!**

بعد از دوش گرفتن، تصمیم گرفتم یک صبحانه‌ی سیبیلی چسب برای خودم آماده کنم. خرامان رفتم طرف **یخچالِ بزرگ و جادارم**. پر از غذاهای خوش مزه بود... پنیر، پنیر و باز هم پنیر! بیسکویت **چدار** می‌خوردم؟ یا کمی مربا روی پنیر **سوسویسی** می‌مالیدم؟ بالاخره یک پاکت شیر ویتامینه با طعم **موزارلا** انتخاب کردم. خیلی خوش مزه بود. پنجه‌ای به شکم کشیدم. چه شروع محشری بود برای آن روزم!

از سوراخ موشم رفتم بیرون و راه افتادم سمت اداره. فکر کردم شاید امروز آن قدرها هم گرم نباشد.